

تنبیه، آزاد یا ممنوع؟!

❁ مشکل تربیت

❁ راه حل صحیح

❁ حتی اسلام هم!



... آنروز هوا خیلی سرد بود ، دانش آموزان ، از شدت سرما میلرزیدند و یکی پس از دیگری وارد کلاس میشدند ، بخاری نفتی میسوخت و کلاس را گرم میکرد ، در این میان دو تن دانش آموز ، با گرمی وارد کلاس شدند و مستقیماً به طرف بخاری رفتند .
 حرفه‌شالی ناظم ، دستهای پخته و منجمد آنان را بی‌جان کرده بود ! شدت درد بقدری بود که گاهی بدون اینکه حرارت بخاری را احساس کنند ، دستهای خود را بی‌آوازه بخاری که از شدت حرارت سرخ شده بود گرفته و تال می‌کردند ! کلاس آرام و بی‌سر و صدا شده بود ، همه دانش آموزان از اینکه احساس می‌کردند که ممکن است خود آنها هم به‌مین سر نوشت دچار شوند ، رنج می‌بردند .

هنوز باین منظره در بسیاری از آموزشگاههای کشور ، بحث می‌جورود ، تردیدی نیست که اینگونه تنبیهها ، بطور موقت ، جلوی نا فرمانی و سر بهوایی کودکان را بگیرد و آنها را آرام و مطیع می‌گرداند و همچنین خشم را برایشان فرو می‌نشاند .

در اینجا این نکته اساسی جلب توجه میکند که آیا تنبیه و خشونت ، باید بکلی ترک شود یا اینکه بعکس ، این وضع ؛ همچنان باید ادامه پیدا کند ؟

از یک طرف مقدمتصدان آموزش و پرورش ، این است که بدون توسل به تنبیه ، کنترل اطفال ممکن نیست ، نتیجه ترک تنبیه - پدیده‌های هر چه و هر چه در زندگی کودکان است ، روی همین اسل می‌بینیم حتی «جان لاک» هم اعمال نفوذ در تربیت ، روایت می‌نماید ، بعضی از دانشمندان باهم تنبیه و خشونت را روافی می‌دانند ، چنانکه «غزالی» معتقد بود که معلم باید حتی الامکان با ترساندن طفل ، او را تأویب کند و چنانچه مؤثر نشد او را بزند ، صاحب قابوسنامه معتقد است که ؛ معلم نباید با همی باشد و کودک را در صورت کاهلی بزند ، تا وی بر خود کاملاً مسلط گردد ، چنانچه معلم طفل را بزند ، پدر نباید شکایت و درددل «جامعی» بفرزند خود می‌گفت:

دار ادب درس معلم نگاه تا شعوی طهتک تعلیم گاه
 سبلی اوگر چه فنیلت دوست گرتو سبلی نرمانی بهاست (۱)
 تقریباً آثار بجائی رسیده بود که همه با اکثر اعتراف داشتند که: «چو استاد به
 ز مهر پدر».

اینها همه بجای خود درست، ولی نباید فراموش کرد که شایقه و سبلیهای پدران و
 مادران و مریشان گاهی هم آثاری ولخیم در روحیه طفل ازشود بجای میگنارند و بجای اینکه
 آزان سوی کمال رهبری شوند با انحطاط و بدبختی میگرایند و سقوط میکنند.

این روش تربیتی گاهی اثرش در جامعه و ملت هم آشکار میشود. نتیجه همین روش تربیتی
 طوری زندگی مردم ایران باستان را فلج کرده بود که «هرودوت» درباره آن بنویسد:
 «یک نوع فرمانبرداری مطلق و تنگم تسلیم و اقتیاد سرفروشی عادت، در
 میان مردم ایران متسکن شده بود که تحلف آزان بخاطر هیچکس نمیرسیده» (۲) «دوجرج
 راولین» نویسنده انگلیسی بنویسد:

«یکی از معایب آموزش و پرورش ایران، تولد حسن عهودیت و بندگی بی حد و حصر و
 اطاعت کورکورانه است که بنظر مردم امروزه نباید با مردانگی و شوق انسانی است» (۳)
 فرق آموزش و پرورش ایران باستان و یونان، در این بود که در یونان تناسب حکومت،
 در آموزش و پرورش، روش دموکراسی بکار برده میشد ولی در ایران باستان خیر!

راه حل صحیح

شک نیست که تفاوت یک جانبه و پروردی بی قید و شرط از طرفداران آزادی تنبیه، یا
 طرفداران ممنوعیت آن، صحیح نیست، باید دید هدف آموزش و پرورش چیست، آنکه مقتضای
 در راه تأمین هدف با کمال احتیاط کام برداشت.
 ماطلی مقالات گذشته، این هدف را بیان داشته ایم، اکنون نیز یاد آور میشویم که هدف،
 تکامل و باسطلاح ایجاد دگرگونی مطلوب در نوآوران و بطور کلی همگانی است که تحت تربیت
 میباشد.

(۱) منابع این نظرات کتاب «تاریخ فرهنگ ایران» است، صاحبقا یونسنامه کیهکاو
 این اسکندر مشب بنصر الممالی از خاندان زبار است که در گرگان و طبرستان سلطنت
 داشتند.

(۲ و ۳): تاریخ فرهنگ ایران.

فردیکه تحت تربیت است اگر کارزشتی را مرتکب شد یا نافرمانی از او سرزد، یا از روی
 علم و عهد مرتکب شده، یا از روی جهل و خطا، در صورت دوم یک پرورشکار لایق، باید تذکر
 دوستانه و یادآوری مضرات خطاکاری و نافرمانی او را آگاه میکند و پیش از آنکه اشتباه و خطای
 او بصورت عادت درآید از آن جلوگیری میکند. بدیهی است که در چنین موردی توسل
 به تنبیه و خشونت، نتیجه ای جز درد هم گویدن شخصیت او نداشته و هیچگونه اثر تربیتی
 نخواهد داشت.

بزرگترین مریی عالم بشریت، پیشوای عالیقدر اسلام، هنگامیکه عربی بیابانگرد
 از روی جهل و خطا مسجد، خانه خدا را آلوده کرد، کمترین خشم و غضب از خود نشان نداد و
 چون دیگران خواستند او را مورد ملامت قرار دهند، فرمود: «چیزی که بیک دلو آب
 پاک میشود، نیازی به خست و ملامت ندارد»!

در صورت اول و تنبیه پرورشکار این است که در درجه اول از راههای مختلفی که بنظر
 او در تربیت و تکامل تربیت شونده مؤثر است، در سه دستگیری و رعنائی او برآید!

ممکن است بدون اینکه او را سرفی کند و مخاطب سازد، راجع بمضرات آن کارزشت یا
 نافرمانی یا نافرمانی کلان صحبت کند و بطور غیر مستقیم اسباب تنبیه او را فراهم سازد، یا اینکه
 بنوع خصوصی با او تماس گیرد و در محیط صمیمیت و سفا دوستی، او را راهنمایی و متنبه سازد،
 یا اینکه با احساسی که واجد صفات خوب هستند، جایزه بدهد و ...

بدین ترتیب ممکن است در محیط دموکراسی و آزادی، به تربیت شونده مجال تفکر و
 تنبیه داده شود و نیازی با اعمال تقوؤ و ایجاد محیط استعداد و دیکتاتوری و وحشت
 پیدا نشود؛ یا بوجهی اینکه اگر از کارخانه تنبیه و ملامت و بدگویی، آدم بیرون می آید
 تا کونون بجای پرغوغای اصلاح شده و هیچگونه نگرانی باقی نمانده بود!

آخرین اقدامی که از طرف پرورشکار لایق، انجام میگیرد، توسل به تنبیه و خشونت
 است. آنچه چون منظور اتمام گرفتن نیست، بلکه منظور تکامل تربیت شونده است! باید بطوری
 اجرا شود که هدف، زیر پا نگذارده نشود. حداقل آن یک قهرزود گذر؛ یک ملامت عقابانه؛
 و بالاخره حداقل آن تنبیه است (به گفتار امام هفتم (ع) که در مقاله قبل ذکر شد، توجه شود)
 شاید منظور جان لاک انگلیسی و سنهای ازانستندان ما در مورد تجویز تنبیه، همین باشد،
 بخصوص که دانشمندان ما از سرچشمهٔ پرورش معارف اسلامی سرباپ میشدند و بیداست که غیر از
 این منظوری داشته باشند.

و اگر در اسلام دستوری در مورد تنبیه بدنی کودکان در پیاره ای از روایات وارد شده
 مربوط بهمین موارد استثنائی است نه اینکه به شقاوت کلی و عمومی باشد.